

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

مدرسه علمیه آل یاسین

موضوع تحقیق:

ارزیابی نقش و کارکرد مؤلفه  
پوشش در فرهنگ عمومی بر  
توسعه و پیشرفت کشور

پژوهشگر:

سید محمد امین موسوی منفرد

## چکیده

مفهوم فرهنگ به مثابه الگوهای مشترک فکری و رفتاری است که شامل عناصر اساسی از جمله باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و فناوری‌ها می‌شود. فرهنگ مبنای کارکردهایی چون تأمین نیازهای اولیه و ثانویه انسانی، امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن و دیگر مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت جامعه است.

فرهنگ عمومی نیز به عنوان فرهنگ غالب و حاکم بر روابط فردی و اجتماعی افراد جامعه است که از عقاید، ارزش‌ها و هنجارها تشکیل شده است و مورد قبول کلیت جامعه می‌باشد.

در این پژوهش سؤالات اصلی، که به بررسی و پاسخگویی به آنها پرداخته شد عبارت بودند از: ۱. فرهنگ عمومی چیست؟ ۲. مؤلفه‌های فرهنگ عمومی کدام است؟ ۳. مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در توسعه و پیشرفت کشور چه تأثیری دارد؟

با بررسی و مطالعه و تبیین منابع و اسناد مرتبط به این نتیجه رسیدیم که مؤلفه باورهای دینی، مؤلفه پوشش تأثیر مستقیم و غیر قابل انکاری در توسعه و پیشرفت کشور دارند. همچنین روشن شد هر چه فرهنگ عمومی جامعه در مؤلفه پوشش، متأثر از ارزش‌های اصیل دینی باشد، آهنگ رشد و توسعه کشور سریع‌تر خواهد بود و هر چه فرهنگ عمومی جامعه از ارزش‌های دینی در فاصله بگیرد، توسعه و پیشرفت کشور با موانع و اختلال‌هایی روبرو خواهد شد.

**کلیدواژه: فرهنگ، فرهنگ عمومی، توسعه، پوشش.**

## مقدمه

در این قسمت به بیان مسئله پژوهش، اهمیت و ضرورت آن، اهداف کلی مقاله، سؤال‌های اصلی و فرعی، اشاره می‌شود و در ادامه تعاریف نظری پژوهش ارائه می‌شود.

## بیان مسئله

فرهنگ تعیین کننده تفکر و احساس اعضای جامعه است. فرهنگ راهنمای اعمال انسان ها و معرف جهان بینی آنها در زندگی است. اهمیت فرهنگ را به طور کلی در دو جنبه می توان خلاصه کرد: نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پشرفت جوامع ایفا می کند.

فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده ای است که اجبار اجتماعی غیر رسمی از آن حمایت می کند و حوزه ای از عقاید، ارزش ها و هنجارها است که در کلیت مورد قبول جامعه می باشد. هر جامعه مبتنی بر ارزش های مورد قبول خویش در راه دستیابی به پیشرفت و توسعه آرمانی گام می دارد. بی تردید یکی از عناصر مهم و مؤثر در مسیر این پیشرفت و توسعه، فرهنگ عمومی آن جامعه است که می تواند به عنوان تسهیل کننده و یا مانع عمل کند. حال اگر جامعه ای از فرهنگ عمومی مناسب بهره مند باشد پیشرفت آن سرعت خواهد گرفت و اگر دارای فرهنگی نامناسب باشد رو به سقوط خواهد گذاشت. در این بین ممکن است جامعه ای که از مؤلفه های فرهنگی مناسبی برخوردار است نیز با عوامل درونی یا بیرونی تهدید شود و با تغییر فرهنگ های مناسب به نامناسب از مسیر توسعه و رشد باز ماند و به سوی انحطاط پیش رود، لذا بررسی فرهنگ عمومی و شناخت قوت های آن و بررسی آسیب ها یا تهدید های آن بسیار مهم خواهد بود.

حضرت امام خمینی در اهمیت فرهنگ می فرماید:

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد (صحیفه نور، ج ۱۵، ۱۶۰).

## اهمیت و ضرورت پژوهش

اثر فرهنگ در تمام ابعاد وجودی انسان ها و جوامع گسترده شده است. یکی از این ابعاد، فعالیت های انسان برای دستیابی به پیشرفت و رشد است. پیشرفت و توسعه جوامع یکی از اهداف اصلی انسان ها در فعالیت های جمعی است. فرهنگ با آثار گسترده ای که در فرد و جامعه دارد، در این بخش مهم از فعالیت های انسان نیز نقش مهمی ایفا می کند به این معنا که فعالیت های انسان ها برای دستیابی به پیشرفت و توسعه بستگی تامی به فرهنگ این انسان ها دارد.

در این پژوهش کارکرد و تأثیر فرهنگ به صورت عام و فرهنگ عمومی به طور خاص با تأکید بر مؤلفه پوشش در پیشرفت جامعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا از این رهگذر به فهمی روشن و دقیق نسبت به این رابطه متقابل و یافتن راهکارهای جهت دهی مناسب به این مؤلفه و رفع موانع آن در دستیابی به توسعه اجتماعی مقبول جامعه دینی نایل شویم.

### **اهداف کلی پژوهش**

شناخت فرهنگ عمومی و ارزیابی و نقش و کارکرد فرهنگ عمومی جامعه بر توسعه و پیشرفت کشور با تأکید بر مؤلفه «پوشش» تا با درک صحیح جایگاه و تأثیر فرهنگ عمومی، نسبت به ارتقای آن تلاش نمود و آسیب های احتمالی در این حوزه نیز شناسایی و مدیریت شود.

### **پرسش های اصلی پژوهش**

۱. فرهنگ عمومی چیست؟
۲. مؤلفه های فرهنگ عمومی کدام است؟
۳. مؤلفه های فرهنگ عمومی در توسعه و پیشرفت کشور چه تأثیری دارد؟

### **پرسش فرعی پژوهش**

۱. مؤلفه پوشش در توسعه و پیشرفت کشور چه تأثیری دارد؟

### **روش پژوهش**

تحقیق و کنجکاوی از تمایلات طبیعی بشر است و میل به شناخت و ارضاء این حس موجب دست یافتن به مجهولات زیادی شده است. به همین علت، انسان همواره برای شناخت طبیعت به کاوش پدیده های پیرامون خود می پردازد. در مسیر این شناخت، روش های تحقیق ابزارهای دستیابی به واقعیت به شمار می روند. از این رو در هر تحقیق، پژوهشگر تلاش می کند تا مناسب ترین روش ها را انتخاب کند (دلاور، ۱۳۸۰). در مسیر این انتخاب باید توجه داشته باشیم، که وجود روش های مختلف پژوهش، انواع مختلف پژوهش ها را از هم جدا و متمایز می سازد، یعنی هر نوع پژوهش، روش خاص خود را ایجاد می کند. در واقع می توان گفت از عوامل مهم تفاوت بین

تحقیق‌های مختلف، وجود همین روش‌های تحقیق متفاوت بین آنهاست (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۴)، که این تفاوت از نوع هدف آنها ناشی می‌شود.

روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، روش توصیفی به شیوه کتابخانه‌ای است که در این روش محقق باید مطالب خود را از راه مطالعه منابع و مآخذ مورد نظر به دست آورد. پژوهشگران این پژوهش از طریق بررسی اطلاعات ثبت شده قبلی و با استفاده از متون موجود در کتابخانه‌ها و مقالات و کتاب‌های مرتبط و موجود در سایت‌های مرجع و در ضمن با استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای اطلاعات لازم را به دست آورده‌اند.

### **تعاریف نظری پژوهش**

#### **تعریف لغوی فرهنگ**

فرهنگ در لغت به معانی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت آورده شده است. (پناهی، ۱۳۷۶)

#### **تعریف اصطلاحی فرهنگ**

فرهنگ آمیزی از ساخت اجتماعی و ساخت فکری یک جامعه معین که حاصل تأثیر و تأثر متقابل این دو است. (قاضیان، ۱۳۷۳، فرهنگ توسعه شماره ۴)

#### **فرهنگ عمومی**

مجموعه‌ای منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقائد، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه یا ملت است. (فردرو، ۱۳۸۰، صص ۱۲۴-۱۷۰)

#### **تعریف لغوی حجاب و پوشش**

کتاب لغت فارسی برای واژه «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان می‌پوشانند.» (معین، ۱۳۷۹، ج ۱ / ۱۳۴۰: عمید، ۱۳۶۷: ۵۵۷) آمده است. در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی‌ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

## تعریف اصطلاحی حجاب و پوشش

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. (مطهری، ۱۳۵۳)

## تعریف توسعه

فرایند حرکت جوامع از وضعیت موجود به سمت مطلوب که روندی است جامع و فراگیر که تمامی و جوه زندگی انسان ها را در بر می گیرد. (ساوولی، ۱۳۷۳، فرهنگ توسعه، شماره ۱۲). توسعه یک فرآیند چند بعدی است که شامل دگرگونی اساسی در ساخت اقتصادی، اجتماعی و یه ویژه ساخت ذهنی افراد یک جامعه است.

## گفتار اول: فرهنگ و جایگاه آن

### تعریف فرهنگ

برای کلمه «culture» یا همان فرهنگ از طرف دانشمندان مختلف علوم اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است. با وجود تعریف های متعددی که به صدها مورد می رسد، برخی معتقدند که هنوز تعریف جامع و قابل قبولی برای آن وجود ندارد. مجموعه این تعاریف را با توجه به تأکیدهای خاصی که از کاربرد آنها نشأت گرفته است، به طور کلی می توان به شش دسته تقسیم کرد:

۱. تعریف های تاریخی: در این تعریف ها، تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه است.
۲. تعریف های هنجاری: این تعریف ها بر شیوه و راه و روش زندگی تأکید دارد.
۳. تعریف های ساختاری: در این تعریف ها، تأکید کلام بر سازمان فرهنگ است.
۴. تعریف های روانشناختی: در این دسته از تعریف ها، تکیه بر الگو و روش تسهیل سازگاری با محیط و جامعه است.
۵. تعریف های تکوینی: این تعریف ها بر «ایجاد شده ها» توسط اجتماع بشری تأکید دارد.
۶. تعریف های تشریحی: در این دسته از تعریف ها با ذکر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ، بر این عناصر تکیه می شود.

با وجود گستردگی و تنوع این تعاریف، می توان دسته اخیر را ساده ترین و در عین حال شایسته ترین تعریف موجود دانست، زیرا تمامی عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را در بر گرفته است.

همان طور که گفته شد، هر کس فرهنگ را از زاویه فکری مخصوص به خود تعریف کرده است. مرحوم استاد علامه جعفری از فرهنگ به عنوان «رنگ آمیزی و توجیه» که اخلاق، هنر، آزادی و ... و رسوم و قوانین حقوقی را کیفیت خاصی می بخشد، یاد می کند (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۴). افروغ نیز فرهنگ را «معرفت مشترک» تعریف نموده

و آن را مشتمل بر لایه های تو در تو می داند که از عمیق ترین تا سطحی ترین لایه به ترتیب شامل جهان بینی، ارزش، هنجار، نماد، فن آموری مادی و فن آوری اجتماعی می باشد (افروغ، ۱۳۷۹).

### جایگاه فرهنگ

فرهنگ در تمام ابعاد وجودی انسان ها و جوامع گسترده شده است. یکی از ابعاد فعالیت های بشر برای دستیابی به پیشرفت بیشتر و توسعه جوامع از اهداف اصلی انسان ها در فعالیت جمعی است. فرهنگ با آثار گسترده ای که در جامعه و افراد دارد در این بخش مهم از فعالیت های بشر نیز نقش مهمی ایفا می کند. به معنای آن که فعالیت های انسان ها برای دستیابی به پیشرفت و توسعه بستگی به فرهنگ انسان ها دارد. اگر فرهنگ جامعه متناسب و سازگار با توسعه باشد جامعه می تواند در دستیابی به توسعه موفق شود و در غیر این صورت چنین امری مشکل خواهد بود.

### اهمیت فرهنگ در اندیشه امام خمینی (ره)

کارکردهای فرهنگ در پر اهمیت تلقی نمودن فرهنگ نقش عمده ای دارند. به گفته لسلای وایت، «کارکرد فرهنگ، تأمین نیازهای درونی و بیرونی انسان است تا زندگی را امنیت و تداوم بخشد». (پناهی، ۱۳۷۶، ص ۵۰-۵۳)

در این راستا با توجه به آثار و گفته های حضرت امام (ره) در می یابیم که در اندیشه ایشان فرهنگ، جایگاه والایی داشته و برای آن نقش بسیار اثر بخشی در جامعه قایل است چنان که می فرمایند:

بی شک بالاترین و والا ترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساس دارد فرهنگ آن جامعه است. اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل میدهد. (صحیفه نور ج ۱۵ ص ۱۶۰)

با توجه به کارکرد هویت بخشی و حفظ بقا و یکپارچگی فرهنگ، اهمیت این گفته امام (ره) معلوم می شود: «فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است». (همان، ج ۶، ص ۴۰). چنانچه فرهنگ را به مثابه الگوی مشترک فکری مشتمل بر عناصری چون باورها، ارزش ها، هنجارها و فن آوری تلقی نماییم، بی شک سهم منحصر به فردی در سعادت یا تباهی یک جامعه دارد. چنان که حضرت امام (ره) می فرمایند:

فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت است. (همان، ج ۱، ص ۲۷۳)



## چیستی فرهنگ عمومی

فرهنگ، تعیین کننده چگونگی تفکر و احساس اعضای جامعه است. فرهنگ راهنمای اعمال انسان ها و معرف جهان بینی آن ها در زندگی است. فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده ای است که در میان عموم جامعه رواج و رسوخ دارد و حوزه ای از عقائد، ارزش ها، جمله های احساسی و هنجارهاست که اجبار اجتماعی غیر رسمی از آن حمایت می کند و فراتر از گروه ها و اقشار خاص، در کلیت جامعه مورد قبول است. بر این اساس فرهنگ عمومی از سه حوزه اصلی ارزش ها، باورها و هنجارها تشکیل یافته است. (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۷-۲۱) بنا بر این فرهنگ عمومی شامل تمامی فعالیت های مبتنی بر اندیشه و عادت است که در جهت برآوردن نیازهای بشری از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، رفتارهای عمومی را شکل می دهد.

## گفتار دوم: توسعه و جایگاه آن

### مفهوم توسعه

توسعه در لغت به معنای گسترش دادن است و از نظر اندیشه وران علوم اقتصادی و اجتماعی از جمله مایکل تودارو، جریانی چند بُعدی و به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی تر است (تودارو، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۳).

از دیدگاه گونار میردال، توسعه عبارت است از «حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به سمت جلو. به عبارت دیگر، نه تنها روش تولید، توزیع محصولات و حجم تولید، مدنظر است، بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهاد های جامعه، نظرها و سیاست ها نیز مورد توجه می باشد» (جیروند، ۱۳۶۸، ص ۸۳).

از دیدگاه حسین عظیمی، توسعه، «فرایندی است که تولید از وضعیت سنتی به روش نوین با ابزارهای پیشرفته جدید، متحول گردیده و انسان ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب کرده باشند و روند انباشت و به کارگیری سرمایه در جامعه، همراه با مدیریتی کارا و با ثبات تحقق یافته باشد» (عظیمی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۶).

## توسعه اسلامی

از آنجا که اختلاف اساسی بین تعاریف توسعه به تعریف توسعه یافتگی بر می گردد، و وضعیت مطلوب توسعه یا توسعه یافتگی را از دیدگاه حضرت امام (ره) بیان می کنیم.

اغلب تعریف هایی که از توسعه و توسعه یافتگی صورت گرفته از سوی اقتصاددانانی بوده که توجهی به مسائل معنوی نداشته و پیشرفت جوامع را در گروی پیشرفت اقتصادی می دانسته اند. حضرت امام خمینی این برداشت را از دیدگاه اسلام مردود می دانند و می فرمایند:

مکتب های مادی تمام همت شان این است که مرتع درست شود، تمام همت این اسن که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند. اسلام مقصدش بالاتر از این هاست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی - معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد، معنویت، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است، برای انسان سازی آمده است. همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلفیم انسان بسازیم (صحیفه نور، ج ۷، ۱۵-۱۶).

از دیدگاه ایشان توسعه اسلامی دارای اهداف چندگانه است. یعنی در عین توجه به پیشرفت اقتصادی، مسائل اجتماعی را هم مد نظر قرار می دهد و هدف نهایی را در دستیابی به معنویات و یا مقامات معنوی توسط انسان ها تلقی می کند.

## فرهنگ، بستر توسعه

امروزه علمای علم توسعه، بیش از هر زمان دیگری به این باور رسیده اند که تا زمانی که فرهنگ یک جامعه موافق توسعه نباشد، پیشرفت و توسعه آن جامعه میسر نخواهد شد. زیرا انسان ها به عنوان عامل محوری توسعه باید به آنچه انجام می دهند، تمایل داشته باشند. این تمایل که با قدرت انتخاب همراه است و در عمل پس از انتخاب به منصفه ظهور می رسد، باید شرایط ایجاد تمایل در انسان ها را داشته باشد. تمایلات در افراد از طریق ارزش ها و باورهایشان ایجاد می شود. البته گاه ممکن است این تمایلات در انتخاب با محدودیت هایی که برای فرد وجود دارد مواجه

شوند. در نهایت تمایلات، ارزش ها و امکانات مختلف فرد و جامعه، فرد را به انتخاب در عمل وادار می کنند و این انتخاب عملی فرد است که می تواند در جهت توسعه جامعه یا بر خلاف آن باشد.

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به این نکته که فرهنگ مبدأ اعمال انسان ها و منشأ مسیر تکاملی جامعه است، می فرماید:

«فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت است» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۷۳).

بنابراین، فرهنگ می تواند در جهت تعالی یا انحطاط جامعه عمل کند. اگر جامعه ای بخواهد به سمت پیشرفت و تعالی گام بردارد باید فرهنگی موافق با این پیشرفت داشته باشد. چنانچه جامعه ای فرهنگی ضد توسعه داشته باشد، این فرهنگ موجب اعمالی از سوی اعضای جامعه خواهد شد که نه تنها در جهت توسعه و پیشرفت جامعه عمل نخواهد کرد، بلکه راه پیشرفت را نیز سد خواهد کرد و موجبات انحطاط جامعه را فراهم می آورد.

### گفتار سوم: بررسی پوشش به عنوان یکی از مؤلفه فرهنگ عمومی

#### معنای پوشش

به نظر می رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می دارد. چنان که «حجاب در علمی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد، اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.» (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۲)

شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند، کلمه ستر را به کار برده اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به

اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۶۴)

## اهمیت، آثار و فواید پوشش در فرهنگ اسلامی

### الف) تعدیل جاذبه طبیعی بین زنان و مردان

بر اساس قانون خلقت بین زن و مرد جاذبه ای طبیعی قرار داده شده که ضامن سعادت و سلامت خانوادگی آن دو خواهد شد اما محور و مدار این جذب طبیعی زن است. از این رو در آیات شریفه برای حفظ آرامش زن و مرد، اصالت به زن داده شده است. پوشش زنان موجب تعدیل جاذبه های طبیعی شده و این نعمت الهی را در مسیر و مجرای طبیعی خود قرار می دهد به این معنا که حس خودآرایی و زیبا پسندی زن و زیبایی های ظاهری او و جاذبه های طبیعی اش محدود به خانه و خانواده شده و همین امور که در جامعه بیرون، فساد آور است در درون خانواده نقش مثبت ایفا می کند.

### ب) بهداشت روانی جامعه

پاک نمودن جامعه از جاذبه های کاذب و محرک های جنسی و روانی مانع از غرق شدن جامعه در مسائل شهوانی و ضد اخلاقی خواهد شد. پوشش در تمام ابعاد ارتباطات، تضمین کننده سلامت جامعه خواهد بود.

### ج) امنیت اخلاقی و فکری جامعه

برای اینکه اختلاط بین زنان و مردان پیش نیاید و حدود اخلاقی حفظ شود، اسلام برای زنان پوشش را معین کرده است. خود این پوشش، یکی از وسایل امنیت است. با پوشش زن مسلمان، هم خود او امنیت پیدا می کند و هم مرد مسلمان امنیت پیدا می کند. آنجایی که پوشش را از زنان دور می کنند، آنجایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد از مردم و جوانان گرفته خواهد شد. برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد، زن بتواند کار خود را در جامعه انجام بدهد، مرد هم بتواند مسئولیت های خود را انجام بدهد، اسلام پوشش را معین کرده که این پوشش، یکی از آن احکام برجسته اسلام است. چنانچه دختری مثلاً

مایل است پزشک شود و یا در فعالیت های دیگر علمی یا اقتصادی شرکت کند برای او میدان ها باز است به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد. در جامعه اسلامی میدان برای هم زن و هم مرد باز است.

#### **(د) امنیت روانی فرد**

اسلام به روان انسان ها توجه ویژه ای دارد، همان گونه که سلامت جسمی را در نظر دارد. خداوند متعال در «نظام تکوین» دو سرمایه «عفاف و حیا» را برای زن و مرد و «غیرت» را برای مردان قرار داد تا نگهبان روح و روان انسان ها و ضامن سلامت روانی آنها باشد و در «نظام تشریح» نیز با حکم «پوشش» و «حدود حریم ارتباط با نامحرم» از ایجاد زمینه هایی که به جسم و روح آسیب می رساند پیشگیری نمود.

#### **(ه) مصونیت و امنیت اجتماعی**

پوشش در ذات خود دارای مصونیت است به این معنا که نیروی محافظ و نگهبان وجودی زن می باشد. با نگاهی به قطعات و برش های تاریخی می توان به این بعد و ویژگی پوشش پی برد و آن را مورد تحلیل بررسی قرار داد. واژه معادل مصونیت، نگاهداشت، حافظ و امنیت ساز است اما هیچ یک از این معادل ها به تنهایی نمی تواند معنای کلمه مصونیت را برساند. امنیت و مصونیت در ابعاد گسترده خود جسمانی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حکم پوشش وجود دارد. زنان پوشیده از آن جهت که جسم و پیکر آنها توسط پوشش به هر نوعی محافظت می شود، کمتر در معرض ناراحتی های جسمی قرار خواهند گرفت و از آسیب های طبیعی و اجتماعی در امان خواهند بود و پوشیدگی مانع از آسیب پذیری جسم افراد می شود. از نظر روانی نیز زنان با پوشش کمتر در معرض اضطراب ها و ترس ها قرار می گیرند، مثلاً اضطراب از اینکه به هنگام مقایسه با دیگران مورد قبول واقع نشوند و یا اشکالی در لباس باشد که دیده شود و ... از جمله موارد اضطراب افراد بدون پوشش است. افزون بر اینکه جهت برنده شدن در مسابقه دلبری و خود نمایی، بیشتر دقت خود را به انتخاب لباسی که شرایط جلب نظر را داشته باشد اختصاص داده و از دیگر امور زندگی مانند تحصیل، زندگی زناشویی، وظیفه های شخصی (فرزندی، مادری، همسری و ...) باز می مانند و عدم موفقیت در این امور نیز موجب اضطراب بیشتر می شود. به طور مسلم این که یک زن پیوسته در میدان مسابقه و امتحان بیشتر باشد و احساس کند مورد مقایسه قرار می گیرد فرسودگی روحی می آورد.

## آثار پوشش نامناسب

### الف) طلاق و از هم گسیختگی خانواده

آگاهی نسبت به آثار و عواقب پوشش نامناسب در جامعه، مطمئناً یک گام مؤثر به سمت پوشش و امنیت جامعه است. آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا مدام رو به افزایش است؛ چرا که به قول باباطاهر «هرآنچه دیده بیند دل کند یاد» و هرآنچه دل از آن یاد کند به هر قیمتی که باشد در پی آن خواهد رفت و بدین ترتیب، هر روز دل به دلبری می‌بندد و از دیگری دل می‌برد. در محیطی که فرهنگ پوشش و عفاف، مطرح است زوجین، متعلق به یکدیگرند و احساسات و عواطفشان مخصوص یکدیگر است. در چنین محیطی، همسران گویا یک تن واحدند و جدایی‌شان کمتر اتفاق می‌افتد؛ ولی در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی در آمده‌اند، دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد و خانواده‌ها به سستی خانه عنکبوت به سرعت از هم متلاشی می‌شوند و کودکانی بی‌سرپرست بر جای می‌مانند.

### ب) فساد اجتماعی

از دیگر آثار ناگوار پوشش نامناسب، فساد اجتماعی است. هنگامی که در یک جامعه، خانواده‌ها سست و بی‌بنیان شدند و از هم پاشیدند، اعضای خانواده به فساد کشیده می‌شوند و شعله این فساد به تدریج دامنه‌اش اجتماع را در بر گرفته، به آتش خواهد کشید. گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، قتل و خونریزی، اعتیاد و بزهکاری و... از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌پوششی در چنین جوامعی است.

### ج) سقوط شخصیت زن

سقوط شخصیت زن، در پی بی‌پوششی امری طبیعی است چون هنگامی که جامعه، زن را فقط برای زیبایی‌ها و اندام برهنه‌اش بخواهد این موجود، تمایلش برای آرایش و خودنمایی روز به روز افزایش می‌گردد و بدین ترتیب به خاطر جاذبه‌ای که دارد به صورت یک کالا و وسیله تبلیغات مورد سوء استفاده دیگران قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا مرز یک عروسک یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند و ارزش‌های والای انسانی در

وی به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و همین کالای عروسکی نیز تا زمانی که از زیبایی بهره ای دارد، در دست سودجویان مبادله می شود و با از بین رفتن این زیبایی ظاهری، آن ارزش ظاهری هم از بین خواهد رفت و از آن پس به وی به چشم یک شیء زاید و دورافتادنی نگاه می کنند و در چنین جوامعی چگونه یک زن می تواند از طریق ویژگی های اخلاقی، علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و حائز مقام والایی گردد؟

پدیده پوشش، ارتباطی مستقیم با ویژگی های مختلف فردی و اجتماعی انسان دارد و از دیدگاه های مختلف از قبیل؛ روان شناسی، اخلاق، اقتصاد، جامعه شناسی، مذهب، قانون، تاریخ و جغرافیا قابل بررسی است. منشأ اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عقیف بودن و زیبا نمایان شدن است. اگر به گروه های گوناگون اجتماعی نگاه کنیم، می بینیم که لباس زنان، مردان و کودکان با یکدیگر متفاوت است، پوشش روستاییان و شهرنشینان به یک گونه نیست و اصناف و صاحبان حرفه های گوناگون نیز به تناسب کار خویش، لباس خاص بر تن می کنند. معمولاً مذاهب نیز درباره نوع لباس، دستورهایی دارند. جهانی که مردم می سازند و در آن زندگی می کنند، تا اندازه زیادی تحت تأثیر جهان بینی آنان است. جوامع مختلف، بسته به اینکه نسبت به هستی چه پیشی داشته و چه معنایی برای زندگی قائل باشند و چه ارزش هایی را بر جهان حاکم بدانند، سبک و اسلوب خاصی در ساختن شهر، خانه، پوشیدن لباس و نظایر آن ها خواهند داشت.

## انواع پوشش

### الف) پوشش عرفی - عادت

این نوع پوشش بر اساس عرف یا عادت شکل گرفته است. «عرف» قاعده ای است که به تدریج و خود به خود میان همه مردم یا دسته ای از آن ها به عنوان قاعده ای الزام آور مر سوم شده است. «عادت» عبارتست از آداب و رسوم اجتماعی که در برقراری نظم اجتماعی مؤثر بوده و کارکردی چون قانون و گاه فراتر از آن دارد. تا جایی که می توان گفت: قانون در مواردی با توجه به عرف تدوین و تصویب می شود. یکی از تفاوت های قانون و عرف، ضمانت اجرای آنها می باشد. ضمانت اجرای عرف افکار عامه است و ضمانت اجرای قانون، قهرآمیز بودن آن و تکیه بر اقتدار دولت می باشد.

## ب) پوشش قانونی

این پوشش معمولاً در مورد کارکنان دولتی و سازمان‌های خاص مورد استفاده است که گاه به شکل لباس‌های متحدالشکل کارخانه‌ها، ارتش، نیروی دریایی و گاهی به شکل قوانین پوششی در دانشگاه‌ها، محیط‌های اداری و ... به چشم می‌خورد. در محیط‌هایی که مواضع اجتماعی و فرهنگی دارند، هیئت مدیره و سایر دست‌اندرکاران این بخش می‌توانند در کنار ضوابط کاری، قوانین پوششی را نیز وضع کرده و مجازات تخلف از آن را معین نمایند.

جالب است که بدانیم حتی در جوامعی که ارزش‌های دینی جایگاه خاصی ندارد ضوابط مشخصی برای پوشش وضع شده است.

## ج) پوشش دینی

این نوع پوشش برگرفته از احکام دین و شرع است و هر یک از ادیان و مذاهب، بر مبنای اعتقادات خود، حدود آن را معین می‌نمایند. تمام ادیان بر لزوم پوشش کامل و رسمی برای زنان و مردان به هنگام شرکت در مراسم مذهبی تأکید دارند. پوشیدن لباس رسمی، شامل کت و شلوار برای آقایان و لباس‌های پوشیده و همچنین پارچه‌ای به عنوان روسری برای زنان می‌باشد. در برخی موارد پوشش عرفی و شرعی با هم منطبق می‌باشند.

## رابطه پوشش با فرهنگ اسلامی

تفاوت عمده فرهنگ جدید غربی و فرهنگ اسلام در تعریف انسان منعکس می‌شود. اگر انسان برحسب فرهنگ غربی، موجودی است که معنویت فرع و روبنای زندگی مادی اوست، در فرهنگ اسلامی موجودی است که معنویت کمال مطلوب و غایت و نهایت زندگی اوست. معنویت کمالی است که با مراقبت و تلاش و با دقت در به کارگیری و بهره‌وری به اندازه از همه مواهب روحی، برای انسان حاصل می‌شود. در چنین بینشی، دیگر تن، تنها بخش وجود انسان نیست و انسان همه تن نیست که با مرگ فانی شود و تنها مجال برای موجود بودن و خوشبخت شدن نیز تمتع محدود جسمانی میان تولد تا مرگ نیست. انسان راه درازی در پیش دارد که مرگ یکی از گذرگاه‌های آن است. انسان رو به سوی خدا دارد که کمال مطلق و سرچشمه همه خوبی‌ها و ارزشهاست. او خود را شریف



تر از آن می داند که به جسمش شناخته شود و وظیفه خود را خطرتر از آن می بیند که تنها به بدن نهایی و آرایش جسم پردازد. انسان در همه بینش های معنوی و از جمله در اسلام، برای آن لباس به تن نمی کند که تن را عرضه کند، بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشاند. لباس برای او یک حریم است. به منزله دیوار و دژی است که تن را از دستبرد محفوظ می دارد و کرامت او را حفظ می کند. لباس پوست دوم انسان نیست بلکه خانه اول او است. انسان مسلمان، کمال خود را در آن نمی بیند که تن خویش را چون کالایی تزیین کند و به راه اندازد و بفروشد آری، مسأله لباس و شکل و نوع آن، امری ساده و سطحی نیست که آن را بتوان صرفاً محصول سلیقه افراد دانست. مسأله، مسأله دو فرهنگ و دو جهان بینی است که تفاوت آنها از زمین تا آسمان است و این تفاوت در همه امور اصلی مربوط به انسان و از جمله در لباس او جلوه گر می شود. در عمل هیچ چیز آسان تر از تقلید لباس دیگران نیست، اما قرن ها می گذرد و دیده می شود که یک جامعه، از لباس دیگران تقلید نمی کند و سنت خود را در نوع لباس حفظ می کند، چرا که تغییر لباس، همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی تواند با لباس خود وداع کند. تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد، لباس آن را به تن نمی کند. درست به همین دلیل است که در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «من تشبه بقوم فهو منهم» (ابن ابی جمهور، اج، ص ۵۶): هر که خود را به گروهی شبیه سازد از آن گروه است.

لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست. پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز، مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دلبسته باشد لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد. این همه تنوع و تفنن که در لباس و آرایش زن غربی و غربزده دیده می شود، دقیقاً نشانه آن است که زن در جامعه غربی به صورت جدی وارد اجتماع نشده، بلکه به عنوان یک شیء لوکس و زینتی که همواره جای آن در حاشیه کارهای جدی است به جامعه دعوت شده است. آنجا که مسأله کار جدی در میان نیست، تفنن، تجمل و خودنمایی جلوه گر است و هر کس در اندیشه سر و وضع خویش می باشد و آنجا که صحبت از کار و تولید است زنان و مردان ساده تر و بی پیرایه ترند. بنابراین جامعه هر چه جدی تر باشد، زن نیز پوشیده تر و بی تجمل و آرایش است و نکته بسیار ظریف و اساسی که وجود

دارد این است که مسأله جنسیت، پوشیدگی، برهنگی و ضوابط حاکم بر آن را نباید یکسره از لحاظ مصالح زندگی اجتماعی فرد بررسی کرد و نباید فقط به دنیای بیرون و جامعه پیرامون آدمی اندیشید، بلکه باید به اهمیت احساس « شرم» به عنوان یک خصلت ذاتی و درونی نیز توجه کرد. شرم یکی از صفات مخصوص انسان است و انسان تنها موجودی است که اصرار دارد لااقل بعضی از اندام های خود را بپوشاند. اگر سخن گفتن، منطقی داشتن و وجدان داشتن که از جمله تفاوت های انسان با حیوانات است، برای انسان « کمال» محسوب می شود و به او ارزش می بخشد، چرا «احساس شرم» و گریز از برهنگی که آن نیز خاص انسان است، کمال محسوب نشود؟ قرآن کریم زن و شوهر را در خانواده به «لباس» یکدیگر شبیه می کند و می گوید: « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷): زنان لباس شما هستند و شما لباس زنان. می فرماید: زن، لباس شوهر و شوهر لباس زن است. اگر در این تشبیه دقت کنیم آن را فوق العاده زیبا و پرمعنا خواهیم یافت. در آیه شریفه فوق، گذشته از معنای ظاهری آن، اشاره به ظاهر و باطن وجود عالمی ما دارد. این دو جلوه از یکدیگر جدا نیست، بلکه به عنوان ظاهر و باطن یکدیگرند. ظاهر همواره باید در پوشش باشد تا انسان باطن جلوه حقیقی خود را حفظ نماید و فقط بر اهل حقیقت جلوه نماید. از این رو خداوند سبحان در قرآن کریم زن را نسبت به مرد و مرد را نسبت به زن لباس برتن یکدیگر دانسته و در این آیه آنچه جالب است این است که ابتدا زن را لباس بر مرد می داند و نشان از این است که پوشش زنان و مردان در فرهنگ اسلامی نه برای کتمان حقیقت، بلکه برای گذشت از ظاهر و سیر به حقیقت و باطن است. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیکتر است و محرم تر، و آنگاه همین لباس در عین نزدیکی به تن، تن را از دیگران می پوشاند و دور می سازد. زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر چنین اند. در عین حال که هر یک از آن دو موجب حفظ عفت دیگری است، همان طور که لباس، انسان را از برهنگی و بی عفتی حفظ می کند، علاوه بر این، به همان ترتیب که لباس هر کس مایه وقار و آراستگی اوست، همسر نیز مایه وقار و آراستگی فرد در زندگی اجتماعی است.

## نتیجه گیری

آیا فرهنگ به طور عام و فرهنگ دینی به طور خاص عامل رشد، توسعه و پیشرفت جامعه است؟ در پاسخ باید گفت که لازمه هر گونه توسعه ای، دگرگونی در فرهنگ و باور هر جامعه است. برای تحقق این امر نباید نقش انسان را نادیده انگاشت؛ چون انسان ضامن توسعه و در عین حال غایت آن است؛ یعنی هم نیروی محرکه و هم هدف غایی آن به شمار می رود.

حال اگر پذیرفتیم که آن چه در توسعه مهم است، بارور ساختن سرمایه انسانی است، در این صورت، پیش شرط توسعه، داشتن انسانی توانمند، عالم، خلاق، مبتکر، منظم، پویا، جسور، عاقل، مدبر، قانون گرا، با وجدان کار بالا، معتقد به حقوق برابر، انتقاد پذیر، امیدوار به آینده، مسئولیت پذیر، تحوّل گرا، مشارکت گرا، آزاد اندیش، دوراندیش، جست و جوگر و با اعتماد به نفس بالا است.

مفاهیم پیشین در چارچوب قوانین و دستوره‌های دینی و از جمله دین مبین اسلام قابل طرح است؛ این که با سفارش‌ها و تجویزهای ارزشی سازگار با روند توسعه، نظیر داشتن روحیه درستکاری و راستگویی، وجدان کار، وقناعت و صرفه جویی در مصرف، توکل داشتن به ذات اقدس الهی، عزت نفس و عدم اتکا به دیگران، خیرخواهی و اعتدال در امور، به تصحیح برخی مفاهیم مورد استفاده در توسعه نظام‌های مادی نظیر مادیت محض و رفاه مطلق پرداخته، با ارائه راهکار، اهداف مادی را صرفاً به منظور هدف متعالی تری پذیرفته، با ردّ سرمایه محوری و با پذیرش «انسان محوری» هر گونه رشد و توسعه ای را در خدمت به انسان جهت دستیابی به کمالات الهی تأیید و تشویق می کند.

فرهنگ به عنوان عامل تعیین کننده تفکر و احساس اعضای جامعه و راهنمای عمل و رفتار و معرف جهان بینی آنهاست.

فرهنگ عمومی نیز فرهنگ غالب و گسترده ای است که متشکل از عقائد، ارزش‌ها و هنجارهاست و در کلیت مورد قبول افراد جامعه است.

از آنجا که هر جامعه ای بر اساس آرمان ها و ارزش های مورد پذیرش خود مسیر توسعه و پیشرفت را می پیماید لذا نقش فرهنگ عمومی در این بین کاملاً روشن است.

از آنجا که فرهنگ در عین اینکه ثابت است، تغییر پذیر هم هست، بنا بر این می توان با برنامه ریزی صحیح و اصولی برخی از بنیان ها و عناصر فرهنگی که مورد پذیرش دین مبین اسلام نیست و مانع دستیابی جامعه به رشد، توسعه و پیشرفت است را تغییر داد و از این طریق جامعه را به سوی تعالی سوق داد.

از آنجا که در این پژوهش مؤلفه پوشش مورد بررسی قرار گرفته است با بررسی موضوعات و مباحث مرتبط می توان میزان انطباق این حوزه در کشور را با مبانی مورد پذیرش دین اسلام بررسی کرد و راه های مناسب را در جهت تحقق عینی ارزش های دینی در جامعه فراهم نمود تا از این طریق رشد و توسعه واقعی کشور حاصل شود.

با توجه به تعاریف مختلف فرهنگ و یافتن یک قدر مشترک برای آنها که فرهنگ عبارت است از: مجموعه منسجم از اهداف، ارزش ها، عقائد، باورها و رسومات متعلق به یک ملت، جایگاه و اهمیت فرهنگ بیان شد. روشن است که فرهنگ در تمامی ابعاد وجودی انسان و ساحت های مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان گسترده شده است. حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه نیز به عنوان یکی از فعالیت های انسان، به شدت متأثر از فرهنگ آن جامعه است. اگر فرهنگ جامعه متناسب با الزامات توسعه و پیشرفت باشد، جامعه می تواند در دستیابی به توسعه و پیشرفت موفق باشد و در غیر این صورت، دستیابی به توسعه و پیشرفت امری مشکل خواهد بود.

با بررسی اندیشه های امام خمینی (ره) پیرامون اهمیت و جایگاه فرهنگ به خوبی نمایان است که فرهنگ به عنوان بالاترین و والاترین عنصری است که در موجودیت جامعه دخالت دارد و هموست که مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت است.

با بررسی مفهوم متداول توسعه و ناکارآمدی آن در عرصه جوامع بشری، مفهوم توسعه اسلامی مطرح می شود که در آن تنها توسعه مادی و اقتصادی مد نظر نیست و علاوه بر آن، معنویت و رشد روحی و تکامل انسان و انسانیت نیز به عنوان مهمترین اهداف توسعه جامعه مطرح می شود.

پوشش به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ عمومی، در عین حالی که منبعث از باورهای دینی است، همچنین می تواند تأثیر بسزایی در توسعه و پیشرفت جامعه داشته باشد. پوشش مناسب و منطبق با آموزه های دینی بستر مناسبی را برای رشد جامعه فراهم می سازد. پوشش مناسب برکاتی چون؛ تأمین آرامش روانی جامعه، امنیت اخلاقی و فکری جامعه، امنیت روانی فرد، مصونیت و امنیت اجتماعی و... به همراه دارد. اینها سبب خواهد شد تا نیروی کار جامعه به جای هدر رفت در باتلاق خود نمایی و جلب توجه و نمایش دادن، در مسیر صحیح کار و کوشش و توسعه کشور مصروف شود.

برخی با پندار نادرست از فرهنگ پوشش، آن را محدود ساختن آزادی زنان و یا حتی مردان می دانند و یا ضرورتی برای آن قائل نیستند و با این شعار باطل که در واقع برگرفته از همان وساوس فریبنده و خطرناک شیاطین برای گمراه ساختن انسان است، به دنبال سلب منزلت واقعی و محروم ساختن وی از آزادی و آرامش حقیقی هستند. پوشش به عنوان یک مؤلفه فرهنگی نقش بسزایی در فرهنگ یک جامعه دارد. و این مهم حاکی از آن است که این مقوله از جوانب گوناگون باید بررسی شود تا برای افراد جامعه نسبت به غنای فرهنگ اسلامی شناخت کامل تری حاصل شود چرا که بیشترین حجم مباحث در مورد پوشش در دین اسلام مطرح شده است.

با رعایت پوشش مناسب توسط افراد جامعه خصوصاً زنان، تمام دغدغه افراد معطوف نقش آفرینی جدی و مثبت در جامعه می شود و مسیر توسعه و پیشرفت کشور به آسانی پیموده می شود ولی در صورت بی توجهی به پوشش مناسب و رواج مدگرایی و توجه بیش از اندازه به ظاهر، سرمایه های مادی و فکری جامعه هدر می رود و به جای مصرف در حوزه تولید و کار سازنده در مسیر مصرف گرایی، آرایش نامتعارف ظاهر افراد، ابتذال، نمایشگری و... مصرف خواهد شد.

## فهرست منابع

- افروغ، کاد، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، تهران، فرهنگ و دانش، ۱۳۷۹.
- امام خمینی، صحیفه نور، (مجموعه آثار جمع آوری شده از امام خمینی ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ۷۸ ش.
- پژوهنده، محمد حسین، مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران، اندیشه حوزه، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۷۴.
- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، دوم، ۱۳۶۹ ش، تهران.
- جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی، مجموعه عقاید، انتشارات مولوی، چهارم، ۱۳۶۸ ش، تهران.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری) مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، اول، ۱۳۸۱ ش، قم.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، سمت، ۱۳۷۱ ش، تهران.
- دوپویی، گزاویه، فرهنگ و توسعه، مترجمان: فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین قلم، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، اول، ۱۳۷۴ ش، تهران.
- روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، دوم، ۱۳۶۸ ش، تهران.
- ستاری فر، محمد، درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، تهران.
- سریع القلم، محمود، عقل و توسعه یافتگی، نشر سفیر، اول، ۱۳۷۲ ش، تهران.
- عزّتی، مرتضی، فرهنگ توسعه از دیدگاه امام خمینی، انتشارات مرکز پژوهش های بنیادی، اول، ۱۳۷۶ ش، تهران.
- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، دوم، ۱۳۷۱ ش، تهران.

کتاب توسعه، ش ۴، نشر توسعه، ۱۳۷۱ ش.

متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی،  
اول، ۱۳۷۴ ش، تهران.

متوسلی، محمود، خصوصی سازی با ترکیب مطلوب دولت و بازار، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، اول،  
۱۳۷۳ ش، تهران.

متوسلی، محمود، نگرشی بر دیدگاه ها و تئوری ها و سیاست های توسعه اقتصادی، وزارت خارجه، اول، ۱۳۷۲ ش،  
تهران.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۲ ش، تهران.

مجله دانش انتظامی، سال سوم، ش ۳، پاییز، ۱۳۸۰ ش.

مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به اهتمام سعید فراهانی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ ش.

مدنی، امیرباقر، موانع توسعه اقتصادی ایران (مقایسه با ژاپن)، انتشارات شهر آشوب، اول، ۱۳۷۴ ش، تهران.

موسایی، میثم، اسلام و فرهنگ توسعه، نشر سرزمین ما، اول، ۱۳۸۰ ش، تهران.

نظرپور، محمدنقی، ارزش ها و توسعه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۸ ش، تهران.

وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، انتشارات سمت، اول، ۱۳۷۱ ش.